

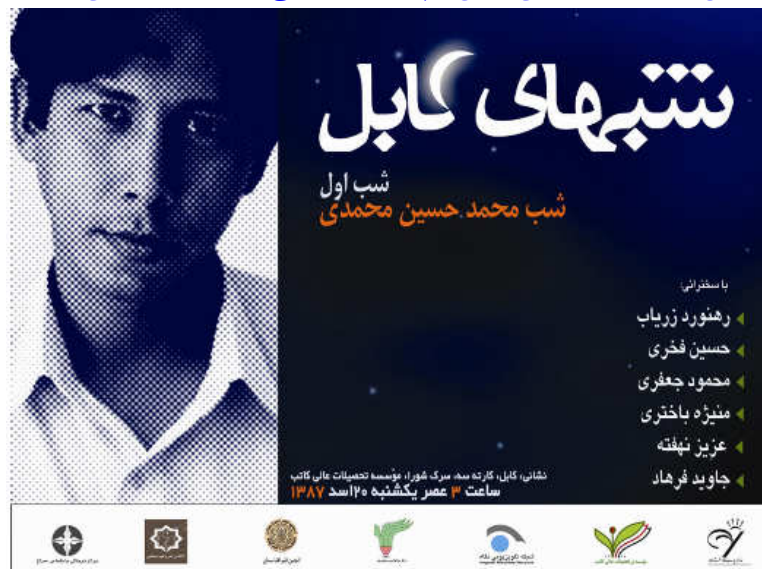
نتبهای کابل

استاد رهنورد زریاب در «شبهای کابل»:

محمدحسین محمدی به گونه کارشناسانه برای معرفی ادبیات داستانی افغانستان کار کرده است

دبیرخانه «شبهای کابل»:

شب اول محفل ادبی «شبهای کابل» با حضور بیش از صد و پنجاه تن از فرهنگیان افغان و سخنرانی استادان ادبیات پارسی درباره آثار محمدحسین محمدی؛ داستان نویسی و پژوهشگر ادبی معاصر افغانستان برگزار شد.



در آغاز این برنامه که یکشنبه، بیستم اسد (مرداد) ماه روان در دانشگاه کاتب کابل برگزار شد، محمدصادق دهقان؛ دبیر «شبهای کابل» با بیان هدف و روند برگزاری «شبهای کابل» گفت: «شبهای کابل، گامی است برای جهت دادن صحیح به فعالیت‌های سامان‌مند علمی و ادبی از جمله نقد سازنده». او با سپاس‌گزاری از همکاری مراکز علمی، ادبی، فرهنگی و اجتماعی افغانستان در برگزاری این برنامه، گرمی‌داشت سرمایه‌های معنوی کشور از جمله نویسندگان و اهل قلم را یکی از راهکارهای اساسی برای سهم‌گیری اهالی دانش، فرهنگ، هنر و ادب افغان در بازسازی ساختارهای فرهنگی افغانستان دانست.



دهقان درباره اهمیت فعالیت‌های فرهنگی و آثار ادبی محمدحسین محمدی چنین بیان داشت: «این نویسنده معاصر افغانستان سال‌هاست در قلمرو داستان، شعر و ادبیات کودک، پژوهش ادبی، روزنامه‌نگاری، فیلم و سینما فعالیت دارد. این تلاش‌ها نشان‌دهنده روحیه خستگی‌ناپذیر محمدی در آفرینش اثر و شناساندن ادبیات داستانی افغانستان به جامعه و دیگر هم‌زبانان است». وی در ادامه افزود: «از جهاد اکبری که محمدحسین پنجابی؛ مشروطه خواه افغان در نگارش نخستین داستان‌واره افغانستان کرد، تا جهاد اکبری که محمدحسین محمدی؛ نویسنده جوان افغان برای زنده نگاه داشتن ادبیات داستانی افغانستان در آشفته بازار کنونی انجام داده، سال‌ها فاصله افتاده است، ولی این کار ارزشمند در خاطره پویای ادبیات کشور ما ماندگار خواهد شد».

در ادامه، محمدحسین وحیدی؛ مدیر تحقیقات علمی دانشگاه کاتب، با خوش‌آمدگویی به حاضران، در سخنان کوتاهی چنین گفت: «بی‌شک، همه دلسوزان کشور ما در دوران بازسازی باید در پی احیای سنت‌های نیکوی جامعه در احترام به اندیشه‌های متفاوت؛ نکوداشت جایگاه اهل دانش، فرهنگ و ادب و توجه دقیق به فرهنگ نقد سازنده باشند. زیرساخت‌های علمی و فرهنگی در یک جامعه از مهم‌ترین بناهای رشد و توسعه آن اجتماع به شمار می‌روند. به همین دلیل، چه نیکوست اگر نخبگان علمی این کشور در هر سمت و جایگاهی که هستند، برای بنیان نهادن طرح تازه‌ای در راستای بازسازی این زیرساخت‌ها سهم بگیرند؛ که فردا دیر است».

پس از آن، بانو محبوبه ابراهیمی؛ شاعر افغان، پیام حسین سنپور؛ داستان‌نویس و منتقد ادبی معاصر ایران را خواند که برای محفل ادبی «شب‌های کابل» فرستاده بود. سنپور در این پیام آورده بود: «واقعیت این است که در این دو سه دهه، تصاویری که خبرگزاری‌های جهانی از کشورهای افغانستان و ایران به مردم جهان ارائه کرده‌اند، جز خشونت و جنگ نبوده است و به گمان من، بعد از یکی دو دهه سکوت، تازه اهل فرهنگ و هنر، جلو دار تغییر تدریجی نگاه مردم جهان به این دو کشور شده‌اند. چه بسا همیشه هم جز این نبوده است که ادبیات و هنر واقعی، بیش‌تر و عمیق‌تر از هر ابزار دیگری توانسته‌اند روح و هویت واقعی مردم خود را به دیگران نشان بدهند».

این منتقد ادبی ایران در ادامه پیام خود افزوده بود: «مجموع کارهای محمدی باعث شده است که اکنون در ذهن داستان‌خوانان ایران، نام محمد حسین محمدی در کنار نام دوست دیگرم، محمد آصف سلطان‌زاده بنشیند، به عنوان چهره‌هایی مهم از داستان‌نویسی امروز افغان که توانسته‌اند دست‌کم داستان‌خوانان ایران را با روی دیگری به جز تصاویر خشک خبری خشونت‌بار ارسالی خبرگزاری‌ها از افغانستان، آشنا کنند».

می‌دانم که در داستان‌های محمدی و سلطان‌زاده هم خشونت به ناگزیر تصویر شده است، اما نه تصویری سطحی و یک‌سویه از خشونت، بلکه نمایش دقیقی از تأثیر خشونت بر روح و روان مردم؛ مردمی که جز زندگی و آرامش، چیزی نمی‌خواهند و در درون، مدام در حال پس زدن و انکار خشونتند».

به باور سناپور، «برای داشتن صلح و آرامش، ملت‌های ما چاره‌ای ندارند جز تقویت داستان‌نویسی و سایر رشته‌های هنری خود و فراهم آوردن امکانات بیش‌تر و بهتر برای نویسندگان بااستعدادی هم‌چون محمدی، تا آثارشان، سفیران واقعی فرهنگ‌شان در همه جای جهان باشند».



آن‌گاه نوبت به سخنرانی استاد محمداعظم رهنورد زریاب؛ نویسنده بزرگ افغانستان رسید. استاد رهنورد زریاب با برشمردن تاریخچه فشرده‌ای از ادبیات داستانی کشور و نیز رویکردهای شماری از اهالی ادبیات مانند محمود طرزی، محیی‌الدین انیس، حیدر ژوبل، اسدالله حبیب، پویا فاریابی، نسیم نکهت سعیدی، علی رضوی، لطیف ناظمی و حسین فخری در پرداختن به فرهنگ داستان‌نویسی، کار محمدی را بزرگ دانست. وی در بخشی از سخنانش چنین گفت: «محمدحسین محمدی، این چهره اندیشه‌گر و پرکار را بی‌گمان، همه فرهنگیان و ادبیات‌دوستان کشور می‌شناسند. محمدی به گونه کارشناسانه در زمینه معرفی ادبیات داستانی ما کار کرده است و حاصل این کار هم همین «فرهنگ داستان‌نویسی افغانستان» است. به یقین، جای یک فرهنگ موضوعی ادبیات داستانی در کشور ما خالی بود و دست رسا و پرتوان محمدی این کار را رقم زد. با نظر داشت اصول، پرداختن به چنین امر بزرگی، نباید کار یک پژوهشگر باشد و چنین کاری را باید نهادها و گروه‌های پژوهشگر انجام دهند. با این حال، باید شادمان باشیم و نیز از محمدی فرزانه‌مان، سپاس‌گزار که ما را دارای فرهنگ داستان‌نویسی ساخته است و این فرهنگ ارجمند می‌تواند کار پژوهشگران را بسی سهل و آسان سازد».

رهنورد در ادامه افزود: «نگاه نقادانه، بی‌گمان، ضرورت است، ولی ما غالباً نگاه نقادانه را درست نمی‌شناسیم و خرده‌گیری‌ها را به جای آن می‌گیریم. از همین رو، من عمداً می‌خواهم بگویم که در این کتاب محمدی، جز حسن و ملاحظت، چیزی ندیدم و به این نیز باور دارم که اگر نقیصه و کمبودی در این کتاب باشد، محمدی، خود این نقیصه‌ها و کمبودها را دریافته است و به یقین که می‌تواند در چاپ‌های بعدی، آن‌ها را از میان بردارد و جبران کند. پس جا دارد که در این جا، سپاس خودم را به خاطر رنج‌هایی که محمدی در نوشتن این کتاب برده است، ابراز بدارم و ستایش‌ها و آفرین‌های خودم را نثار او کنم».

حسین فخری؛ نویسنده و داستان‌نویس برجسته افغانستان، سخنران دوم برنامه «شب‌های کابل» بود که به نقد و بررسی رمان «از یاد رفتن» پرداخت. وی در این باره گفت: «نویسنده در پرداخت صحنه‌ها به ترسیم تصویر کلی زندگی سیدمیرک شاه آغا بسنده می‌کند و طرح و تصویر جزء به جزء واقعیت عذاب‌آور از حوصله‌اش بیرون است. قلمش به همه روزه‌های زندگی شخصیت‌ها سر نمی‌کشد. در ذهن درمند و علیل راوی، کاوش چندانی نمی‌کند. از گذشته و ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی، مطلب زیادی عاید خواننده نمی‌کند. به پیچیدگی‌ها و ابهام و بلهوسی‌های فنی و عمق و غنای محتوایی که این سال‌ها بجا و بی‌جا رواج یافته است، نمی‌گراید و در عوض، در بخش اعظم اثر خود، خلاصه‌گویی، صراحت و تطابق رخدادها با واقعیت را اساس کار قرار می‌دهد».

فخری در بخش دیگری از سخنانش چنین بیان داشت: «سبک محمدی در این اثر، از حیث سادگی و روانی، جلب نظر می‌کند. وقتی کتاب از یاد رفتن را می‌خوانیم، ممکن است تصور کنیم هنر این قصه برای همه قابل فهم است، ولی طرد زیب و زیور لزوماً دلیل عدم قابلیت نیست و در هنر، گه‌گاهی، راهی دشوارتر از تسخیر سادگی وجود ندارد».

محمود جعفری؛ شاعر، نویسنده و پژوهشگر جوان افغان، سومین سخنران برنامه بود که نقش محمدی را در ادبیات کودک افغانستان بررسی کرد. او از دو زاویه کلی؛ یعنی بعد درونی و محتوایی و بعد بیرونی و تکنیکی به بررسی آثار محمدی در قلمرو شعر و داستان کودک پرداخت.

در میان برنامه، فیلم اهدای جایزه بنیاد گلشیری به محمدحسین محمدی پخش شد. جایزه یادشده را نمایش‌نامه نویس و کارگردان بزرگ سینمای ایران؛ بهرام بیضایی به محمدی تقدیم کرده بود.

در ادامه برنامه، بانو منیژه باختری، استاد دانشگاه کابل و منتقد ادبی افغانستان، در سخنانی به جایگاه «زن» در آثار محمدی پرداخت. وی نگاه محمدی به زن را بیانگر آشنایی ژرف و دقیق او با شرایط اجتماعی و تاریخی افغانستان دانست و گفت که حضور کم‌رنگ زن در جامعه داستان‌های محمدی، واقعیت حقیقی ماست که محمدی آن را به درستی نشان داده است. آن‌گاه محب بارش؛ دیگر استاد دانشگاه کابل در سخنان کوتاهی گفت که در برابر کارهای سترگ محمدی در ادبیات افغانستان باید تمام قد ایستاد.

در پایان نخستین شب از «شب‌های کابل»، محمدحسین محمدی در سخنانی، با سپاس‌گزاری از برگزارکنندگان چنین برنامه‌ای، اظهار خوشحالی کرد که تلاش‌های طاقت‌فرسایش در طول سال‌ها به ثمر نشسته و خوانندگان و منتقدانی صبور یافته است. او گفت که از این پس، با انرژی بیشتری به کارهای خود ادامه می‌دهد. با این حال، وی افسوس خورد که آثار ادبی‌اش در زمینه ادبیات کودک را کودکان ایرانی، ژاپنی و آلمانی خوانده، ولی کودکان افغانستان از آن بی‌بهره مانده‌اند و اظهار امیدواری کرد که این کاستی نیز با همکاری نهادهای فرهنگی و ناشران دلسوز افغانستان برطرف شود.

گفتنی است شب اول از محفل ادبی «شب‌های کابل» با همکاری دانشگاه کاتب، خانه ادبیات افغانستان، تلویزیون نگاه، مرکز حقوق بشر و دموکراسی، انجمن قلم افغانستان، آکادمی هنر و علوم سینمایی و مرکز فرهنگی و اجتماعی سراج برگزار شد.